

میدون و سوفیا

نظریه‌بگیر-ول کن



یوریا عالمی

• تعدادی از دانشجویان با ما تماس گرفتند و گفتند: ما این‌همه از دولت حمایت کردیم، چرا کسی از ما حمایت نمی‌کند؟

ما گفتیم: چون الان دولت خودش نیاز به حمایت دارد، پس نمی‌تواند از کسی حمایت کند.

تعدادی از کارگران با ما تماس گرفتند و گفتند: ما این‌همه برای خودمان و مردم کار کردیم، چرا مردم کاری به کار ما ندارند؟

ما گفتیم: چون الان مردم توی اینستاگرام دارند اکستنشن تبلیغ می‌کنند و خودشان کار دارند، پس وقت نمی‌کنند به کار کارگران هم بپردازند.

تعدادی از فعالان سیاسی و اجتماعی مستقل با ما تماس گرفتند و گفتند: ما این‌همه برای ایجاد حرکت اجتماعی و مشارکت مردم در انتخابات مجلس تلاش کردیم، چرا نمایندگان الان که ما افتادیم توی دردسر، برای ما حرکتی نمی‌کنند؟

ما گفتیم: از خودشان بپرسید.

تعدادی از زنان با ما تماس گرفتند و گفتند: ما این‌همه دودیدیم، پس چرا نه تسوی وزارت و نه توی مدیریت کشور نقشی نداریم؟ تازه مدیریت که هیچی، حتی نمی‌توانیم برویم ورزشگاه فوتبال ببینیم. واقعا چرا؟

ما گفتیم: خودتان می‌گویید «این‌همه دودیدید»؛ آیا قبلا می‌توانستید به‌راحتی بدوید؟! الان همین که می‌توانید دنبال حقتان بدوید یعنی فضا باز شده. در نتیجه ناشر نباشید و از مسئولان تشکر کنید.

تعدادی از طرفداران سوفیا با ما تماس گرفتند و گفتند: تو الان چندسال است هی سوفیا... سوفیا... می‌کنی و نمی‌گیری.ش. آیا تو جزء آن دسته از افراد تکبر هستی؟ پس چی شد آن‌همه شعار عشق‌عاشقی؟ ما گفتیم: دوستان... من یک شعار دادم که می‌خواهم سوفیا را بگیرم... دولت و نمایندگان مجلس است که آن‌همه شعار دادند چی؟ من لااقل اگر نگرفتم، ول هم نکردم. خوب بود من هم سوفیا را می‌گرفتم و تا الان ول کرده بودم؟ آیا عشق‌عاشقی مثل سیاست و اقتصاد است که آدم الکی بگیرد و ول کند؟ والا که نیست.

عددها

۸ هزار میلیارد ناقابل

• گاهی از کنار عددهایی که در اخبار می‌آید، خیلی راحت عبور می‌کنیم بدون آنکه ابعاد فاجعه‌ای را که به دنبال دارد تحلیل کنیم.

۸ هزار میلیارد: عباس عیدی، تحلیلگر، در اعتماد درباره هشت هزار میلیاردی که قرار است بانک مرکزی به برخی افرادی که سپرده‌های خود را از دست داده‌اند نوشته است. در چند روز گذشته تصویب شده تا بانک مرکزی با صاحبان سپرده و آسیب‌دیدگان مؤسسات مالی بالای ۲۰۰ میلیون تومان تا یک‌میلیارد تسویه کند و هشت هزار میلیارد تومان در نظر گرفته است. پرداخت قبلی به صاحبان زیر ۲۰۰ میلیون تومان و حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان بود. این رقم هشت هزار میلیارد خیلی رقم آشنایی است. در آذر ۹۶ به نقل از دادستان اعلام شد که بانک سرمایه آزاد تا پایان ماه سال ۱۳۹۵ فهرست ۱۳ نفره از بدهکاران خود را به دادستانی تهران اعلام کرد که مجموع بدهی آنان هشت هزار میلیارد تومان بود.

۱۱۰ میلیارد: نماینده مردم محلات با اشاره به اینکه درحال حاضر هم دلار چهار هزارو ۲۰۰ تومانی را به عده‌ای خاص می‌دهند، افشا کرد که این افراد با دلار چهار هزارو ۲۰۰ تومانی اجتناب را وارد می‌کنند و با دلار هشت هزارتومانی در بازار می‌فروشند که یک رانت ۱۱۰ هزار میلیارد تومانی از این طریق ایجاد شده است و ده‌ها بایک زنجانی از این راه به وجود آمده‌اند./ باشگاه خبرنگاران جوان

1	N.N. (man, 60)	Unknown	Unknown
2	N.N. (woman, 60)	Unknown	Unknown
3	N.N. (woman, 60)	Unknown	Unknown
4	N.N. (woman, 60)	Unknown	Unknown
5	N.N. (man, 60)	Unknown	Unknown
6	N.N. (man, 60)	Unknown	Unknown
7	N.N. (man, 60)	Unknown	Unknown
8	N.N. (man, 60)	Unknown	Unknown
9	N.N. (man, 60)	Unknown	Unknown
10	N.N. (man, 60)	Unknown	Unknown
11	N.N. (man, 60)	Unknown	Unknown
12	N.N. (man, 60)	Unknown	Unknown
13	N.N. (man, 60)	Unknown	Unknown
14	N.N. (man, 60)	Unknown	Unknown
15	N.N. (man, 60)	Unknown	Unknown
16	N.N. (man, 60)	Unknown	Unknown
17	N.N. (man, 60)	Unknown	Unknown
18	N.N. (man, 60)	Unknown	Unknown
19	N.N. (man, 60)	Unknown	Unknown
20	N.N. (man, 60)	Unknown	Unknown

۳۵ هزار: روزنامه گاردین در روز پناه‌جویان نام حدود ۳۵ هزار مهاجر را منتشر کرده که در راه رسیدن به اروپا برای یک زندگی امن‌تر در اقیانوس‌ها غرق شده‌اند. نام ده‌ها ایرانی هم در میان این فهرست هست؛ ایرانی‌هایی که بعد از شنیدن جواب منفی خودکشی کرده‌اند.

شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۷ • ۷ شوال ۱۴۳۹ • ۲۱ ژوئن ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۱۷۵ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۶ • اذان مغرب ۲۰:۴۵ • اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۴۹

روزنامه‌فردا



کارتون خواب

آر وین
arvinmad@gmail.com

خداحافظ پس انداز!



زیر آسمان شهر

مدرسه تعطیل شد؛ چه خبر از آقای ناظم؟

دوره اول متوسطه مدرسه منطقه ۲ تهران تعطیل شد. خبری که احتمالا خانواده‌های آسیب‌دیده را کمی خوشحال کند؛ با اینکه هر روز خبری درباره ناظم مدرسه و ادامه پیگیری خانواده‌ها درباره اتفاقی که برای فرزندانشان رخ داده، مطرح می‌شود، اما نگرانی‌های خانواده‌ها از تکرار چنین اتفاقاتی ادامه دارد. به‌نظر می‌رسد مسئولان در نظر دارند پیگیری این‌مورد به‌عنوان الگویی در آموزش‌وپروش در خاطره‌ها بماند. اما سرنوشت ناظم چه می‌شود؟همان ناظمی که چند هفته است رفتار نادرست او با دانش‌آموزان باعث آسیب‌دیدن خانواده دانش‌آموزان شده است. در آن چندین روز اولیه هيجان و نگرانی در بالاترین حد خود بود. خانواده‌ها عصبانی بودند و خواستار مجازات ناظم و مدیر مدرسه بودند. به وزیر و نمایندگان مجلس، پلیس امنیت و... شکایت می‌بردند. مسئولان نظرات خود را بیان کردند؛ در شب اول که وحشت و اضطراب در بالاترین حد خود بود و دستور پیگیری ازسوی مقام معظم رهبری داده شد تا سبب دلگرمی خانواده‌ها شود. در شب‌های بعدی کمی از این نگرانی‌ها کاسته شد، برخی سعی کردند به‌صورت عقلانی‌تر با این فاجعه روبه‌رو شوند. حقوق‌دانان و وکلای روان‌شناسان مطلب نوشتند و هشدار دادند که باید مراقب دانش‌آموزان آسیب‌دیده بود. باید در نظر داشت که دانش‌آموزان آسیب‌دیده به‌دنبال انتشار دغدغه‌ها و خبرهای مربوط به آن صدمه بیشتری نبینند. این‌روزها خانواده‌ها مدام از خود می‌پرسند که چگونه می‌توان با این مسائل مقابله

پیشنهاد

درسگفتارهای تابستان ۱۳۹۷ مؤسسه مطالعات سیاسی- اقتصادی «پرسش» با دو درسگفتار و از روز یکشنبه سوم تیرماه ۱۳۹۷ آغاز می‌شود. مراد فرهادپور و کمال اطهاری از ساعت ۱۷:۳۰ به ترتیب دو درسگفتار «انسان‌شناسی فلسفی: آلن بدیو» و «در جست‌وجوی توسعه ازدست‌رفته: نهادهای توسعه

دکتر مصطفی اقلیاء
رئیس انجمن علمی
مددکاران اجتماعی ایران

وقتی بحث پناهندگان در میان است، در واقع بحث کشورهای بی‌سامان در میان است؛ کشورهایی که بعضی برنامه‌هایشان به هم ریخته است. عده‌ای از افراد مجبور به رفتن می‌شوند و عده‌ای دیگر هم به علل وجود مسائلی در آن کشور، احساس می‌کنند جایی برای زندگی ندارند و به امید زندگی بهتر به کشوری دیگر می‌روند. در همه‌جای دنیا چنین اتفاقاتی می‌افتد. مثلا می‌توانید به مسائل سوریه نگاه کنید یا کشورهای دیگر که وقتی عده‌ای به دنبال جای بهتری می‌گردند، چقدر مسائل برایشان به‌وجود می‌آید.

وقتی یک نفر مثلا ۳۰ سال در کشور خود زحمت کشیده است و از پایه شروع کرده تا به بالا رسیده است و حالا قصد دارد به کشوری دیگر برود، آیا زندگی او بهتر خواهد شد؟ او باید دومرتبه از صفر شروع کند و مثلا ۲۰ سال، زمانی که می‌خواهد به موقعیتی برسد که همین الان در کشور خود دارد، بسیار دیر شده است، شاید زمان مردن او فرا رسیده باشد. در واقع دیگر به هیچ جا نمی‌رسد. بنابراین وقتی قوانین پناهندگی را در هر جای دنیا وضع می‌کنند، باید دربردارنده این نگاه باشد که به پناهنده باید به چشم یک انسان نگاه و باید با او به‌عنوان یک انسان برخورد کرد. وقتی ورود یک انسان را به مکانی قبول می‌کنند، باید او بتواند از امکانات و خدمات آنجا حداقل استفاده و در مقابل، کار کند. در بحث پناهندگان، می‌توان نگاهی به برخوردهایی انداخت که در کشورهای مختلف با پناهندگان می‌شود و در ایران نیز می‌توان به نوع برخورد با سیل پناهندگان افغان توجه کرد. ما به‌عنوان ایرانی توقع داریم که وقتی یک ایرانی وارد خاک فرانسه، آلمان، ترکیه یا هر جای دیگر می‌شود،

آکادمی

کارا و مفید مثل پسر خاله!



وحید شامخی
مشاور مدیریت استراتژیک

اخیرا شرکت مطرحی که در حوزه توسعه مهارت‌های مدیریت و رهبری فعال است، پرسش جالبی را مطرح کرده. اینکه افرادی که از مابقی همکارانشان بهره‌وری و بازدهی بیشتری دارند چه ویژگی‌های مشترکی دارند؟ افرادی که با یک میزان ساعت کاری یکسان، بازدهی و بهره‌وری متفاوتی دارند. شاید برایمان سؤال پیش بیاید که مگر چقدر تفاوت وجود دارد؟ نتیجه تحقیقات شرکت معتبر مشاوره مدیریت پین می‌گوید یک برنامه‌نویس با بهره‌وری بالا، کدهایی در یک روز می‌نویسد که تا ۹ برابر کاراتر و بهتر از یک برنامه‌نویس متوسط است یا بهترین فروشنده‌های لباس تا هشت‌برابر بیشتر از فروشندگان معمولی لباس می‌فروشند؛ پس یافتن اینکه این افراد چه ویژگی‌های مشترکی دارند، واقعا جذاب است. برای پاسخ به این پرسش، مطالعه‌ای روی هفت هزار نفر بر اساس ۴۸ شاخص انجام شده است. به این صورت که از مدیرانشان و به طور متوسط ۱۱ نفر دیگری که آنها را می‌شناختند، در موردشان پرسش شده است و حاصل این نمونه آماری بزرگ این بوده است که ۱۰ درصدی که از مابقی افراد امتیاز بالاتری به دست آوردند مشخص شد، سپس تحلیلی روی ویژگی‌های مشترک میان این حدود ۷۰۰ نفر انجام شد و حاصل آن هفت ویژگی مشترک بود. یک، اهداف تکمیلی؛ اهداف تکمیلی یعنی مثلا تا یک ماه دیگر باید فلان پروژه را با این ویژگی‌ها تمام کنم، اما اگر این کار اضافه را هم انجام بدهم، فلان جایزه را برای خود در نظر می‌گیرم. این افراد معمولا برای خود اهداف تکمیلی قرار می‌دهند. دو، روند ثابت؛ این افراد کارهایشان را با یک نظم نسبتا ثابت و پایداری دنبال می‌کنند. اگر بگویند این کار را انجام می‌دهم، انجام می‌دهند و در زمان‌بندی معقول هم انجام می‌دهند. خیلی پیش نمی‌آید که اضافه‌کاری کنند یا شب‌بیداری برای انجام یک کار را، دانش مفید و کارا! این افراد به‌موقع اطلاعات موردنیاز کارشان را کسب می‌کنند و اگر نیاز باشد هم از فرد دیگری سؤال می‌کنند و کمک می‌گیرند، اما زیاد پیش نمی‌آید که تازه بعد از اینکه کاری را پذیرفتند، در مورد نحوه انجامش به دنبال اطلاعات و راهنما بگردند. چهار، نتیجه‌گرایی؛ این افراد تنها از پایان‌دادن یک کار لذت نمی‌برند، بلکه نتیجه‌ای که به دست می‌آید نیز برایشان خیلی اهمیت دارد. علاوه‌برآن به‌طور مداوم با خودشان در به‌دست‌آوردن نتایج بهتر در رقابت هستند؛ پنج، آینده‌نگری؛ این افراد مشکلات و موانع پیش‌روی انجام یک کار را پیش‌بینی می‌کنند و برایشان راه‌حلی را در نظر می‌گیرند. شش، شروع‌کنندگی؛ این افراد معمولا منتظر نمی‌شوند تا به آنها گفته شود فلان زمان این کار را شروع کن. معمولا پیش از آن وارد عمل می‌شوند، حتی اگر همه شرایط هنوز مهیا نشده باشد. و هفت، همراهی و همکاری با دیگران؛ این افراد برخلاف تصور عمومی که شاید کار انفرادی را ترجیح می‌دهند، از همکاری با دیگران ایایی نداشته و به‌خوبی با دیگران همراهی و همکاری می‌کنند، اما نکته جالبی که در این هفت ویژگی وجود دارد این است که تقریبا همه‌شان را می‌شود تمرین کرد و یاد گرفت. اینها مهارت هستند و نه یک استعداد ویژه ذاتی! پس می‌شود یاد گرفتشان و بهترشان کرد؛ هم برای خودمان و هم برای دیگران. برای دیگران چطور؟ شاید هر یک از ما مسئول یا مدیر فرد یا افرادی باشیم؛ در زندگی شخصی و خانوادگی‌مان یا زندگی حرفه‌ای و کسب‌وکارمان یا حتی کشورداری. می‌توانیم بستری برای رشد این مهارت‌ها فراهم کنیم یا سنگی از پیش پای کسی که می‌خواهد مفیدتر، کاراتر و با بهره‌وری بیشتر باشد برداریم؛ کسی مثل پسرخاله در مجموعه کلاه‌قرمزی!

یادداشت

روزی که نباید فقط یک نام باشد



مردم پناهنده نشوند. چگونه علل برطرف شود تا مردم پناهنده نشوند. فقط روزی «نام‌گذاری» می‌شود. شاید فقط برای اینکه مردم خوشحال شوند که روزی چنین نامی گرفته است. در همه کشورها واقعا در روز پناهنده چه کاری برای آنان انجام می‌شود.

این همه دم از حقوق بشر زده می‌شود؛ اما مثلا در آمریکا وقتی افرادی به‌عنوان پناهنده وارد می‌شوند، پدر و مادر را از کودک جدا می‌کنند. در بعضی از کشورهای جهان سوم حق و حقوقی درباره ازدواج پناهنده‌ها قائل نیستند. در آلمان و فرانسه پناهندگان در وضع بدی در کمپ‌ها نگهداری می‌شوند.

اگر روزی را به نام خاصی نام‌گذاری می‌کنیم، باید مفهومی از آن روز به دست بیاوریم. امیدواریم در مقابل این نامه‌ها، کارهایی ارزشمند نیز انجام شود. درباره روز پناهنده نیز باید گفت پناهنده خود معلول علت‌هاست که تا آن علت‌ها برطرف نشود، مشکل پناهندگی در هیچ‌جای دنیا برطرف نخواهد شد.

تجربه دیگران

خوشامدگویی ترامپ به دیکتاتورها



توماس ال فریدمن، روزنامه‌نگار و نویسنده آمریکایی برنده سه جایزه پولیتزر و ستون‌نویس هفتگی نیویورک‌تایمز، در یادداشتی با عنوان «ترامپ به دیکتاتورها: روز خوبی داشته باشید» به این نکته پرداخته است که ترامپ تعامل با دیکتاتورهای جهان را به رهبران دیگر ترجیح می‌دهد.

در ابتدای این مقاله نیویورک‌تایمز، نویسنده به ماجرای اخیر متهم‌شدن جاسئین ترودو، نخست‌وزیر کانادا، از سوی ترامپ به «خنجر از پشت‌زدن» پرداخته و این پرسش «ساده» را مطرح کرده است: «چند کانادایی از آوریل ۲۰۰۲ در کنار آمریکایی‌ها در افغانستان کشته یا زخمی شده‌اند؟» و بعد از نوشتن پاسخ «۱۵۸ کشته و ۶۲۵ زخمی». اشاره کرده که گرچه در ۱۱ سپتامبر به آمریکا، نه کانادا، حمله شده و متحد شمالی آمریکا هزاران مرد زن جوان خود را به افغانستان فرستاده و این همه کشته داده است، هنگامی که نخست‌وزیر آن کشور به آرامی درخواست کاهش تعرفه‌های صادرات شیر، پنیر و ماست را داده است، ترامپ ترودو را به «خیانت» و «از پشت خنجرزدن» متهم کرده و او را سزاوار «مکانی ویژه در جهنم» نامیده است.

فریدمن می‌نویسد: تفاوت جهان‌بینی ترامپ با رؤسای جمهور پیش از او –چه جمهوری‌خواه و چه دموکرات– در این است که برای او «همه چیز معامله است؛ امروز برای من چه کار کرده‌ای؟» و به این ترتیب، همه ارزش‌های قدیمی آمریکا به محاق رفته و دیگر کسی به فکر بهره‌بردن از مزایای بزرگ‌تر وجود دموکراسی‌های سالم و مبتنی بر بازار آزاد در سراسر جهان نیست. همچنین از مقاله دیگری در واشگتن‌پست نقل کرده است که آمریکا دیگر در قید و بند «حافظه تاریخی» نیست و «تعهدات اخلاقی، سیاسی یا استراتژیک را به رسمیت نمی‌شناسد. بدون توجه به تأثیر اقداماتش روی متحدان یا در جهان، اهداف خود را ازآزادانه دنبال می‌کند و هیچ حس مسئولیتی نسبت به بعد از خود ندارد». به نوشته فریدمن، آنچه درباره تاجری مثل ترامپ وحشت‌آور است، این است که ظاهرا او دیکتاتورها را به کشورهای دموکراتیک متحد آمریکا ترجیح می‌دهد. نمونه تفکر ترامپ درباره این دیکتاتورها، سخنان ستایش‌برانگیز او درباره دیکتاتور کره‌شمالی خطاب به روزنامه‌نگاران است: «وقتی او صحبت می‌کند، مردمش سراپاگوش هستند. دلم می‌خواهد مردم من هم همین کار را بکنند». البته ترامپ بعدها گفته است این یک شوخی بود، اما به اعتقاد نویسنده نیویورک‌تایمز، «رئیس‌جمهور آمریکا حق چنین شوخی‌ای را ندارد». نویسنده همچنین به گزارش اخیر دیده‌بان حقوق بشر از مصر و سرکوب منتقدان عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور آن کشور و همچنین وضعیت نقض آزادی‌های مدنی در ترکیه، بازداشت‌های گسترده در عربستان سعودی، بازداشت مدافعان حقوق بشر در بحرین و... اشاره کرده و به اینکه دولت آمریکا اعتنایی به چنین وضعیتی ندارد، می‌پردازد و نقل قولی از مایکل پترن، مدیر مرکز حقوق بشر استرن در نیویورک را می‌آورد که می‌گوید: «امروز ما رئیس‌جمهور داریم که نه‌فقط (به این موارد نقض حقوق بشر) برخورد می‌کند، بلکه به این رهبران برای پیروزی در انتخابات جعلی تبریک نیز می‌گوید و به نظر می‌رسد رفتار بد آنها را تأیید می‌کند». نویسنده در نهایت به نقل از پترن هشدار داده است با درپیش گرفتن این روش، «جهان در نهایت برای همه ما به مکانی خطرناک تبدیل خواهد شد».

آیا می دانید: آسیب های مغزی ناشی از مصرف مواد صنعتی و شیمیایی همچون شیشه

پنجم تیرماه مصادف با ۲۶ ژوئن

سالروز جهانی مبارزه با موادمخدر گرامی باد



ستاد مبارزه با موادمخدر